

گفت‌وگو با عبدالحکیم مشورتی، کارگردان نمایش «الله سنگ» از خراسان رضوی که شب گذشته در جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر روی صحنه رفت

نگاه جشنواره‌ای، نمایش‌های بومی را به انزوای می‌برد

الهام ظریفیان

گفت‌وگو روز

عبدالحکیم مشورتی هنرمند اهل خواف است و سال ۵۲ز در این شهر به دنیا آمده است. او از سال ۷۰و زمانی که یک دانش آموز دبیرستانی بوده،کار تئاتر را آغاز و تاکنون در جشنواره‌های مختلف مانند جشنواره تئاتر استانی، فجر و دانشجویی و بسیج شرکت کرده و مقام‌هایی را در رشته‌های بازیگری و کارگردانی به دست آورده است. سال ۹۹به‌خاطر فعالیت‌های مؤثرش در تئاتر شهرستان خواف، از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مدرک درجه ۳هنری در رشته بازیگری به او اعطا شد. مشورتی امسال با نمایش «الله سنگ، در مقام کارگردان در جشنواره‌های استانی و منطقه‌ای تئاتر حضور پیدا کرد و توانست به‌عنوان تنها نماینده استان به جشنواره فجر نیز راه پیدا کند. اگرچه راهبایی «الله سنگ، به جشنواره فجر با حواشی همراه بود اما مشورتی معتقد است او و سایر عوامل این تئاتر ثابت کرده‌اند این تصمیم اشتباه نبوده است. این تئاتر شنبه‌شب در جشنواره تئاتر فجر در تهران به نمایش درآمد. به همین بهانه با او گفت‌وگوی کوتاهی کرده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

● نمایش «الله سنگ» مضمونی فولکلور دارد.

شما در نمایش‌های قبلی هم به‌سراغ داستان‌های فولکلور رفته بودید. از نمایش «زخم‌خار» گرفته تا «زخم ناسور کزدم سیاه» و «همیشه سردار» همه حول قصه‌های فولکلور محلی شکل گرفته بودند.

علاقه خاصی به این نوع نمایش دارید؟

خراسان مهد داستان‌ها حکایت‌های کهن و قومیت‌های مختلف است. از هر قومی در خراسان زندگی می‌کنند و همه این اقوام قصه‌های خودشان را دارند. من فکر می‌کنم ماغیر از این‌قصه‌هانیایدبه‌قصه‌های دیگری بپردازیم. اگر بخوا همین قصه‌ها و حکایت‌های بومی محلی خراسان را به‌صورت نمایش در بیاوریم، سال‌ها طول می‌کشد. این دغدغه همیشه من بوده است و تا حالا بیشتر کارهایی که من انجام داده‌ام در همین موضوعات به‌خصوص درباره عشق در افسانه‌های کهن بوده‌اند.

● در «الله سنگ» هم به عشق پرداخته‌اید؟

«الله سنگ» دارای یک قصه چندوجهی است. در یک وجه، حکایت یک عده آدم است که در دل کوه برای قوت هر روز خودشان با سنگ سخت سر جنگ دارند، حکایت مردمی را بیان می‌کند که اتفاقاتی در زندگی شان شکل می‌گیرد و از دل این اتفاقات حکایت‌هایی بیرون می‌آید که ممکن است برگرفته از تخیل خودشان یا افسانه‌ها و داستان‌های قدیمی باشد. در یک‌وجه‌دیگر رنج آدم‌هایی را نشان می‌دهد که اگر رنج نکشند، چراغ زندگی‌شان خاموش می‌شود. بعددیگرنمایش حکایت رنج دختران وزنانی است که برای رسیدن به وصال باید خیلی سختی تحمل کنند و با یک نغمه دلشان می‌لرزد ولی جرئت بیانش را ندارند.

● غیر از متن که براساس افسانه‌ها و داستان‌های قدیمی منطقه خواف نوشته شده، موسیقی و دیگر بخش‌های کار هم وام گرفته شده است یا اینکه جغرافیای بزرگ‌تری را در نظر داشته‌اید؟

محور کل نمایش موسیقی و ترانه‌های محلی و فولکلور خراسان رضوی است. قصه‌ها و نواها و آهنگ‌هایی که در آن استفاده شده مربوط به جنوب خراسان است ولی خودقصه فراگیرتر است. درد بزرگی است در قالب یک

قصه فولکلور.

● استقبال مخاطبان از نمایش‌های فولکلور چگونه است؟
مردم به شدت از موضوعات بومی محلی استقبال می‌کنند. این داستان‌ها آن قدر با حافظه جمعی مردم عجین شده است که به‌محض اینکه صدای نوای دوتار، سرن یا دهل را می‌شنوند یک داستان خاص در ذهنشان یادآوری می‌شود. پشت هر کدام از مقام‌های موسیقی خراسان یک داستان نهفته است، مثل مقام‌های ا...مدد یا «اشتر خجو». به همین دلیل استقبال از قصه‌های فولکلور دست‌کم در شهرستان‌ها زیاد است. اگرچه ما در جاهای دیگر هم که اجرا داشتیم، این استقبال را می‌دیدیم. برای مثال در کرمان یا اینکه هیچ تبلیغی برای نمایش نشده بود، در سالن جای سوزن انداختن نبود.

● نوع توجهی که مخاطب بومی منطقه شما به این نوع نمایش‌ها نشان می‌دهد یا مخاطب شهرهای بزرگ‌تر که بیشتر تئاترهای مدرن را می‌بیند فرق دارد؟

این داستان‌ها مرز نمی‌شناسند. مادر مازندران همین نمایش را اجرا کردیم و ۹ استان هم شرکت داشتند. استقبال به اندازه‌ای بود که تماشاگران حتی روی پله‌های ورودی و خروجی نشسته بودند و بعد از اینکه نمایش تمام شد، بیشتر از چهار دقیقه ایستاده تیم را تشویق می‌کردند.

● یعنی یک خاطره ناخودآگاه جمعی در مورد این قصه‌ها وجود دارد؟
بله. ما در جای جای ایران سدراهایی داریم. شما وقتی در شمال خراسان داستان سردار عیوض را می‌گویید و آنکه اهل جنوب خراسان است، محمدحسین نامراد را به یاد می‌آورد. نامراد سرداری کاشمیری بود که بر علیه ظلم زمانه اش قیام کرد. ما در جای جای کشورمان قصه‌های مشابهی

داریم. به محض اینکه یکی از این قصه‌ها را می‌شنویم، همه آن قصه‌ها در ذهنمان تداعی می‌شود. یعنی مضمون، شخصیت و قصه یکی است، فقط آسامی با هم فرق دارند.

● با این اوصاف چرا چنین موضوعاتی کمتر از سوی هنرمندان مورد استقبال قرار می‌گیرند؟

این برمی‌گردد به نگاه جشنواره‌ها. وقتی نگاه جشنواره‌ها تخصصی و گزینشی می‌شود و یک سبک کار مشخص را برای ورود به جشنواره می‌پسندند، خودبه‌خود معمولاً نمایش‌های بومی سال است که این مشکل را در خراسان داریم. جشنواره نگاه داور است. یک داور از یک سبک خاص خوشش می‌آید و داور دیگر خوشش نمی‌آید. به همین دلیل معمولاً نمایش‌های بومی محلی در انزوای قرار می‌گیرند و حمایتی از آن‌ها نمی‌شود. در این نمایش‌ها چون تعداد پرسوناژها زیادند و کل کار هزینه برتر است، افراد کمتری ترجیح می‌دهند این داستان‌ها را روی صحنه بیاورند. برای مثال همین نمایش «الله سنگ» ۲۵ پرسوناژ دارد. جمع‌کردن و مدیریت کردن این تعداد آدم در یک کار خیلی سخت است. هزینه‌های دکور و لباس و صحنه نسبت به

کارهای دیگر بیشتر است. حتی نگاه جشنواره این است که تعداد پرسوناژها کمتر باشد. در این شرایط که کمکی هم از سوی نهادهای ذی ربط نمی‌شود خودبه‌خود کارگردان‌ها به سمت نمایش‌های پرهزینه نمی‌روند.

● مگر کارگردان‌ها فقط برای جشنواره کار می‌سازند؟

نگاه شخص من این است که تئاتر فقط برای مردم است، ولی تنها جایی که یک هنرمند شهرستانی می‌تواند دیده شود جشنواره است. دیگر کجا دیده می‌شود؟



هنرمند شهرستانی جایی برای دیده شدن ندارد. تنها وبترینی که هنرمند شهرستانی می‌تواند در آن دیده شود، جشنواره است.

بخواهد نمود پیدا کند یا پله‌های ترقی را طی کند، باید برود جشنواره. ما مجبوریم در جشنواره‌ها شرکت کنیم که دیده شویم و بگوییم چراغ تئاتر در این شهرستان هنوز روشن است.

● برنامه‌ای برای اجراهای عمومی هم دارید؟
ما چند شب اجرای عمومی رقیم، ولی متأسفانه سردی هوا کارها را تعطیل کرد. بعد از برگشت از جشنواره فجر اگر هوا خوب باشد، برای مردم شهرستان و هرجایی که اداره صلاح بداند ۱۰ شب دیگر اجرا خواهیم داشت. ما خوان‌های مختلف را از استانی و منطقه‌ای رد کردیم، ولی جمع‌وجور کردن و نگه داشتن این عده آدم و ادامه دادن کار به این نوال مشکل است. اگر واقعا حمایت نکنند، همین کورسویی که ما در شهرستان روشن نگه داشته‌ایم هم خاموش می‌شود.

● در گذار خوان‌های مختلف، نمایش تا الان تئپیراتی هم کرده‌است؟

بله. بعد از هر مرحله تغییراتی در روند اجرای نمایش داشته‌ایم. نمایش به‌روزر شده است. این کار را تا حدودی انجام دادیم تا ضعف‌هایی که در جشنواره‌های قبلی داشتیم در جشنواره‌های بعدی نداشته باشیم. خوشبختانه نمایش تا الان جوایز خوبی در کارگردانی، بازیگری، نویسندگی و طراحی صحنه گرفته است. امیدوارم در جشنواره فجر هم اتفاق خوبی بیفتد.

● بعد از ۹ سال جشنواره منطقه‌ای تئاتر دوباره برگزار شد. نظراتن در این باره چیست؟
این جشنواره بقدر می‌تواند برای هنرمندان شهرستان‌ها تأثیرگذار باشد؟

جشنواره منطقه‌ای برای ما به‌مثابه جشنواره فجر است در ابعاد کوچک‌تر. ۹ استان کم نیستند که با هم به رقابت بپردازند. دیدن کارهای این ۹ استان علاوه بر اینکه فضایی به وجود می‌آورد که ما با هنرمندان استانی‌ها دیگر آشنا شویم نگاه و دانش بچه‌ها را خیلی ارتقا می‌دهد. قبلا اگر هنرمندان شهرستانی بیشتر برای تفنن تئاتر کار می‌کردند، وقتی کارهای دیگر را می‌بینند

و با هنرمندان استان‌های دیگر ارتباط برقرار می‌کنند، جدی‌تر به تئاتر نگاه می‌کنند. اتفاق خیلی خوبی است که بعد از چندسال دوباره به راه افتاده است و جای تشکر دارد و من همین‌جا از اداره‌نرهای نمایشی تشکر می‌کنم. خیلی کارها که در جشنواره استانی دیده نمی‌شدند در جشنواره منطقه‌ای خیلی بهتر دیده می‌شوند.

● منطقه جغرافیایی که شما این قصه‌ها را از آن در آوردید و کار کردید به نظران بستر خوبی نیست برای اینکه رویدادها و جشنواره‌های موضوعی فولکلور و مردمی در آن برگزار شوند؟
من چند سال پیش پیشنهاد کردم جشنواره نمایش‌های آیینی را در شهرهایی مانند خواف، تایباد، تربت جام - که مهد این داستان‌ها هستند- برگزار کنند ولی تا حالا که اتفاقی نیفتاده است. ما به‌شدت استقبال می‌کنیم. خراسان پتانسیل برگزاری جشنواره حرکات آیینی و نمایش‌های خیابانی هم محوریت قصه‌های فولکلور را دارد. ولی متأسفانه بودجه‌ها در مرکز متمرکز شده است.

● فکر می‌کنید پیش نیاز برگزاری چنین رویدادی فقط بودجه است؟

یکی از آن‌ها بودجه است. موانع زیادی وجود دارد. حمایت نکردن از تولیدات شهرستانی یکی از آن‌هاست. نبود زیرساخت مناسب تئاتر در شهرستان‌ها یکی دیگر از موانع است. ما در شهرستان‌ها سالن تخصصی تئاتر نداریم. در خود مشهد شاید یکی دو سالن باشد که مخصوص تئاتر باشد. بقیه سالن‌ها همایشی هستند. مسئله بعدی این

است که خیلی نمی‌شود روی پول گیشه‌برای آوردن مخرج تئاتر حساب کرد. مسئله بعدی آموزش است. مادر شهرستان‌ها خیلی کم چیزی به نام آموزش داریم. اگر بخواهیم استاد بیاوریم، باید از مرکز استان بیاوریم که باز هم هزینه می‌خواهد. موضوع بعدی نبود بازیگر حرفه‌ای در شهرستان‌هاست.

بازیگران ما کسانیه هستند که با عشق می‌آیند کار می‌کنند و چشمداشتی ندارند و فقط می‌گویند که می‌خواهند کار تئاتر انجام دهند، ولی باید آموزش‌های اولیه را ببینند تا بتوانند خودشان را بالا بکشند.

نیروهای امنیتی برخوردار می‌شود.

این به وضوح یک انحراف در خط فیلم‌نامه است که اجازه نمی‌دهد ریتم «تمام رخ»، لحن روایت این اثر و ویژگی‌های بصری آن، به نقاط قوت سریال تبدیل شوند. علاوه بر این، مشکل دیگر داستان سریال نداشتن یک شخصیت منفی تمام‌عیار و ترسناک است. در حالی‌که تا حوالی قسمت دهم شخصیت برژیت به عنوان نقش منفی شناخته می‌شود، ناگهان تغییری در ساختار قصه پدید می‌آید که این زن فرانسوی را اصطلاحاً سفید می‌کند. در عوض، شمایل‌ی مقوایی به نام مکس فورد مبدل به شخصیت منفی می‌شود که یک تیپ تمام‌عیار از مأمور اطلاعاتی سازمان سیاست. در فاصله قسمت‌های دهم تا بیستم، مخاطب در حال وقف پیدا کردن با شرایط جدید است که ناگهان سر و کله یک نقش منفی تازه نفس و یک ایرانی فریب‌خورده دیگر پیدا می‌شود، زنی بریتانیایی که در پوشش بیمار در بیمارستان بستری شده است و البته شخصیت منصور که در بیست قسمت ابتدایی مشغول اخاذی بوده است و ناگهان پایش به سفارت آمریکا باز می‌شود. بدبختانه شخصیت‌های ایرانی «تمام رخ» که در دام جاسوسی می‌افتند نیز به شدت ساده لوح و حتی ابله طراحی شده‌اند که این موضوع باعث می‌شود موضوع سریال به قدر کافی در بیننده اثر نکند. به عبارت دیگر، مخاطب با تماشا ی این مجموعه به فکر فرو نمی‌رود، زیرا ناخودآگاه می‌داند که انسان‌های واقعی به اندازه پیمان و منصور نادان نیستند.

در مجموع می‌توان گفت که «تمام رخ» یک سریال متوسط است که ساختارش با نیازهای امروز کشور هم سازگاری دارد، اما فیلم‌نامه آن طوری به رشته تحریر درآمده که فاقد توان اثرگذاری بر مخاطب و صلابت لازم برای شکل‌گیری یک سریال امنیتی جاسوسی است. این متن به شکلی نوشته شده که دو احتمال درباره آن تصور می‌شود: احتمال اول این است که چند سریال به طور متوالی به هم مرتبط شده‌اند و احتمال دوم از این قرار است که در «تمام رخ» یک قصه ثابت با شخصیت‌های تازه در چرخه‌ای باطل تکرار می‌شود.

چارسوق هنر

پخش ویژه برنامه تئاتر فجر، از تلویزیون ورادپو



ویژه برنامه رادیویی و تلویزیونی «تئاتر ۴۱» از یکم بهمن ماه هم زمان با برگزاری جشنواره تئاتر فجر، از شبکه رادیویی نمایش و شبکه ۴ سیما پخش می‌شود. به گزارش شهرآرا به نقل از روابط عمومی برنامه، رادیو «تئاتر ۴۱» با هم افزایش رادیو، تلویزیون و فضای مجازی، از شنبه تا چهارشنبه، ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲:۲۲ و پنجشنبه و جمعه ساعت ۲۳ تا ۲۳:۳۰ تالار اصلی مجموعه تئاتر شهر، به‌صورت هم‌زمان از شبکه رادیویی نمایش بر روی موج اف‌ام‌دی‌اف ۵/۱۰۷ مگاهرتز، شبکه چهارم سیما و ایران صدا پخش می‌شود. علی بهرامی تهیه‌کنندگی و کارگردانی «تئاتر ۴۱» را برعهده دارد و ایوب آقاخانی کارشناس مجری این ویژه برنامه است. این برنامه به‌طور زنده از شبکه ۴ سیما، رادیو نمایش و ایران صدا پخش خواهد شد.

پخش فصل دوم «جان وطن» در دهه فجر



هم‌زمان با نزدیک شدن به ایام پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ساخت فصل دوم برنامه ترکیبی «جان وطن» آغاز شد تا در دهه فجر روی آنتن تلویزیون برود. این برنامه ترکیبی در ۱۰ قسمت سی دقیقه‌ای در استودیو دیبا فیلم به تولید می‌رسد و برای پخش از رسانه ملی در ایام دهه فجر آماده می‌شود. «جان وطن» در فصل دوم به سراغ قصه‌های ناگفته و برآمده از مردم درباره حوادث و مبارزات منتهی به انقلاب اسلامی رفته است. این برنامه ترکیبی در هر قسمت میزبان کسانی است که اتفاقی را در دوران انقلاب تجربه کرده‌اند. این افراد از قشرهای مختلف نظیر پزشک، دانشجو و حتی هنرمندانی هستند که مسیر هنر را برای مبارزه انتخاب کرده‌اند. فصل اول این برنامه ترکیبی، محصول مشترک مرکز مستند سوره و مرکز هنری رسانه‌ای نهضت که قصه‌هایی برآمده از دل مردم درباره جنگ را روایت کرد، در هفت قسمت در هفته دفاع مقدس روی آنتن شبکه ۳ رفت.

«بیمارستان صبا» و «به توان هفت» در رادیو صبا



برنامه فرهنگی «به توان هفت» با محوریت روایت داستان‌های عامیانه همراه سکاس‌هایی از فیلم‌های جذاب تقدیم مخاطبان می‌شود. این برنامه روزشنبه، اول بهمن، با موضوع «یک عاشقانه ساده» بخش‌های یک رمان عاشقانه «عطر بهار نارنج»، به نویسندگی تکین حمزه‌لو، را تقدیم مخاطبان می‌کند. نویسنده در کتاب خود با بیان داستانی از یک زندگی سعی دارد به یکی از مسائلی که کم‌کم در حال فراگیری در جامعه ماست و الگویی غربی دارد بپردازد و مشکلات پنهان در دل آن را برچسته کند. «به توان هفت» از شنبه تا چهارشنبه، ساعت ۳:۱۲، به تهیه‌کنندگی مژگان فرزین و اجرای امیرحسین مدرس تقدیم مخاطبان می‌شود. همچنین «بیمارستان صبا» عنوان اثری طنز در این شبکه رادیویی است که در یک بیمارستان اتفاق می‌افتد. این برنامه هر روز یکی از موضوعات فرهنگی اجتماعی روز جامعه را به عنوان سوزه خود مطرح می‌کند و در قالب دیالوگ‌هایی در یک بیمارستان به آن می‌پردازد. این برنامه از شنبه، اول بهمن، با موضوع لیخند و شادی راهی آنتن می‌شود.

چه فیلم‌هایی راهی اکران بر خط شدند؟



اکران برخط دو فیلم «سگ‌بند»، ساخته مهرا ن احمدی، و «علفزار» به کارگردانی کاظم دانشی در دو پلتفرم (سکو) «نماوا» و «فیلمو» آغاز شد. سگ‌بند محصول سال ۱۳۹۸ است که به دلیل شروع کرونا و نیمه تعطیل شدن سینماها اکران آن تا سال ۱۴۰۱ به تعویق افتاد. این فیلم در نهایت به‌عنوان یکی از فیلم‌های نوروز ۱۴۰۱ روی پرده سینماها رفت و موفق شد عنوان دومین فیلم پرفروش سال را از آن خود کند. سگ‌بند در گیشه به فروشی نزدیک به ۴۳ میلیارد تومان رسید و موفق شد یک میلیون و ۳۱۶ هزار مخاطب را جذب سالن‌های سینما کند. «علفزار» به کارگردانی کاظم دانشی را می‌توانید در فیلمو تماشا کنید. فیلم علفزار که براساس روایتی واقعی ساخته شده درباره یک باز پرس دادگاه کیفری است که درگیر پرونده‌ای پیچیده شده است.

پوستر «پالتو شتری» رونمایی شد



در آستانه اکران فیلم سینمایی «پالتو شتری» به نویسندگی و کارگردانی مهدی علی‌میرزایی و تهیه‌کنندگی مجید شیخ انصاری در سینماهای سراسر کشور، از پوستر این فیلم سینمایی با طرحی از محمد روح الامین رونمایی شد. پالتو شتری که پخش آن را مؤسسه تصویرشهر بر عهده دارد، روایتگر داستانی اجتماعی با زبان کمدی است. این فیلم نوعی راهنمای عملی برای سرجای می‌نشانند آدم‌هایی است که خودشان را از بقیه بهتر و برتر می‌دانند و براساس همین توهم، مشغول آسیب‌زدن به دیگران‌اند. سام درخشانی، بانپیا ل شومون، بهاره کیان افشار، لیندا کیانی، شاهرخ فروتنیان، پرویش نظریه، علیرضا مهرا ن، و افسانه چهره‌آزاد بازیگرانی هستند که در این فیلم سینمایی نقش آفرینی می‌کنند.